

یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم



◄ سعید صادقی

روزهای عملیات کربلای ۵ اسفندماه سال ۶۵ بود. نیروهای ما در حال عبور از منطقه میدان امام رضا بعد از سواره مرگ بودند که تعداد زیادی از نیروهای عراقی در آنجا به هلاکت رسیده بودند. شرایط منطقه وضعیت روحی عجیبی در من و تمام نیروهایی که در حال پیشروی به سمت مناطق دیگری بودند، ایجاد کرده بود.

شرایط منطقه سبب شد من به عنوان عکاس قدرت تصمیم‌گیری زیادی نداشته باشم و تنها توانستم عکس‌هایی باز با لنز واید بگیرم. اما الان که فکر می‌کنم می‌بینم استفاده از لنز تله و عکاسی از چهره‌های رزمندگان، بهتر می‌توانست حالت و شرایط آن موقع را بیان کند.

گفت‌و گو با سیدعباس میرهاشمی

قصه سانسور

نداریم



◄ بیدا معیری

—جناب آقای میرهاشمی به عنوان سوال اول بفرمایید چرا اصلاً به سمت چاپ و نشر ادامه کتاب‌های عکس «جنگ تحمیلی» رفتید؟ سلسله کتاب‌های جنگ تحمیلی از ابتدای جنگ تحمیلی تا سال ۶۸، با شش عنوان کتاب توسط آقای خرازی و با بودجه ستاد تبلیغات جنگ و تلاش کسانی چون سیف‌الله صمدیان، فرزند هاشمی و بقیه دوستان منتشر شد. انتشار این کتاب‌ها در سال ۶۸ متوقف شد. از همان موقع بچه‌های عکاس جنگ با توجه به دل‌بستگی که به این موضوع داشتند همیشه به دنبال راهی بودند که این کتاب‌ها دوباره منتشر شود. زمانی که ما خواستیم کتاب‌هایی مرتبط با همان مضامین منتشر کنیم، دیدیم که خیلی بهتر است روی همان سرمایه صرف‌شده و نباشده کار بکنیم و چون می‌خواستیم در ادامه همان مسیر حرکت کنیم، سه جلد دیگر از آن کتاب‌ها را منتشر کردیم.

—هنرینه انتشار این کتاب‌ها به چه صورت تأمین می‌شود، متولی اصلی کیست؟

در واقع بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و سازمان مقاومت بسیج هر دو با هم سرمایه‌گذار این کار هستند.

—آیا تنها قصد انتشار این مجموعه کتاب‌ها را دارید یا کتاب‌های دیگری هم در دست دارید؟

ما مجموعه دیگری را تحت عنوان «استان‌ها در دفاع مقدس» شروع کردیم که «خروش

لاجوردی» اولین کتاب از این سری بود و مربوط به وقایع جنگ در استان اصفهان می‌شد. بنا داریم برای بقیه استان‌ها هم این‌شاءالله چنین کتاب‌هایی را دربیآوریم.

—آیا نوع نگاه حاکم بر کتاب‌های عکس «جنگ تحمیلی» و تأکید بر مقاومت همچنان در این کتاب‌ها پی گرفته شده است یا با گذشت این سال‌ها می‌شود گفت که در نوع نگاه به جنگ در این کتاب‌ها هم تغییری ایجاد شده است؟

ما به عنوان یک واقعه به جنگ نگاه می‌کنیم. سعی می‌کنیم نوع نگاهمان متفاوت باشد. خیلی دل‌مان می‌خواهد که از دو طرف به جنگ نگاه کنیم. در کتاب خرمشهر هم سعی زیادی کردیم که عکس‌هایی از طرف عراق هم پیدا کنیم که متأسفانه بیش از پنج یا شش عکس نیافتیم. ما در سال ۸۴ مجموعه‌ای کار کردیم به نام «چشم سوم» که در واقع نگاهی به غرب کشور بود. عکاس‌هایی را که در زمان جنگ در آن مناطق کار کرده بودند به مناطق غرب کشور بردیم و مجدداً عکاسی کردند و در مجلس نمایشگاهی برگزار کردیم و همین باعث شد مجلس وزیر دفاع را بخواهد و از او درباره عدم توقف داستان تلفات مین‌ها در این مناطق سوال کند که باعث شد قوانینی برای تسریع این کار در مجلس تصویب شود. بنابراین ملاحظه می‌کنید که مجموعاً نگاه ما انتقادی‌تر شده است.

—بنابر این شما معتقدید این کتاب‌ها «جنگ تحمیلی» قبلی نیست؟ چرا. چون ما فعلاً همچنان داریم همان عکس‌های قدیمی و همان نوع نگاه را منتشر می‌کنیم. ما در واقع فعلاً امتداد هستیم و نگاه

خودمان را در این مجموعه‌ها داخل نمی‌کنیم. برای نگاه امروز، باید امروز عکاسی کرد و آن هم دیگر عکاسی جنگ نیست، عکاسی پس از جنگ است. ضمن اینکه معتقدم این تغییر نگاه باید به آهستگی و آرام صورت بگیرد. ولی این را هم باید بگویم که خیلی از عکس‌هایی که قبلاً نمی‌توانستیم منتشر کنیم، الان داریم نمایش می‌دهیم. نگاه ما نگاه گسترده‌ای است و معطوف به بیان واقعیت‌هاست.

—آیا عکس‌های بعد از جنگ و دوران معاصر هم در این کتاب‌ها گنجانده شده است؟

در کتاب خرمشهر نتوانستیم و نخواستیم این کار را بکنیم اما در کتاب شهدا به وضعیت فعلی و معاصر نیز پرداختیم و تعدادی از عکاسان جوان هم در این کتاب عکس دارند.

—جمع‌آوری عکس‌ها به چه شکل انجام شد؟ در بسیاری از نشریات و سایت‌ها و مجامع عکاسی فراخوان دادیم و در مدت پنج ماه نزدیک به شش هزار عکس به دست ما رسید.

تعداد زیادی از نگاتیوهای اسکن‌شده در انجمن توسط تیمی سه‌نفره بررسی شد. همچنین تیمی از انجمن به آرشیهوای روزنامه کیهان، اطلاعات، خبرگزاری ایرنا و صدا و سیما و همچنین آرشیهو شخصی عکاسان مراجعه کردند و تمام عکس‌هایی که به این موضوع مربوط می‌شد را جدا کردند و آوردند و در سیر کارهای ما قرار گرفت.

—به‌عنوان رئیس انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس و کسی که دسترسی به تعداد زیادی عکس در این زمینه دارید چقدر سعی کردید در کتاب شهدا واقعیت‌های جنگ را نشان بدهید، یعنی عکس‌هایی را نشان بدهید که خیلی مشابهتی با تلقی عمومی ما از جنگ ندارد؟

سیدعباس میرهاشمی موسس و رئیس انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس بنای این انجمن را به همراه سایر عکاسان و دوستان خود در سال ۱۳۸۰ نهاد. هدف اصلی این انجمن بنا به گفته میرهاشمی تلاش برای جمع‌آوری، احیا و نگهداری و نمایش درست و اصولی عکس‌های مربوط به هشت سال جنگ تحمیلی و اسناد آن بود؛ هدفی که ظاهراً انجمن تا به امروز تا حدودی به آن دست یافته است. انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس کوشید در کنار آرشیهو نگهداری صحیح از این آثار و اسناد مهم و حیاتی، نمایشگاه‌هایی

ما در کتاب شهدا خیلی روی لبه تیغ بودیم. خیلی‌ها همچنان تلقی کلیشه‌ای از این موضوع به عنوان یکسری پرتره از شهدا داشتند ولی ما در واقع به دنبال مفهوم شهادت بودیم. جنگ ما یکسری واقعیت‌ها داشته است که نباید با شعارها قاطی شود. جنگ ما مشکلات و مسائل زیادی به همراه داشته است؛ مشکلاتی که در این عکس‌ها هم شاید به نوعی نشان داده شود. قصد سانسور نداشتم. تمام تلاش‌مان این بود که نشان دهیم

جنگ ما در کنار رشادت‌ها و دل‌وری‌ها دست به گریبان مشکلات زیادی هم بوده است.

خب عنوان این کتاب خودش گویاست؛ شهدا، این یعنی نشان دادن اینکه ما در این جنگ تعداد زیادی کشته دادیم، شهید دادیم ولی نگاه ما به این کشته‌ها و بحث شهادت است که در واقع وجه تمایز عکس‌های ما با عکس‌ها غربی‌هاست. ما این عکس‌ها (عکس‌های شهدا) را بیل‌بورد می‌کنیم و در شهر نصب می‌کنیم چون بیشتر جنبه وجودشان را می‌بینیم تا عدم‌شان را.

—در مراحل انتشار کتاب با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

کار درباره جنگ امروز یک کار تاریخی است. تقریباً همه اطلاعات فراموش شده، از بین رفته و درست حفظ و نگهداری نشده است. یک مقطع تاریخی بسیار مهمی در این کشور مورد بی‌مهری واقع شده است.

برای انتشار این کتاب‌ها هم مسلماً با مشکل نبود و کمبود اطلاعات مواجه بودیم. مهم‌ترین مشکل ما این بود که متأسفانه عکاسان هیچ اطلاعی از محل عکاسی نداشتند و این باعث شد چاپ و انتشار این کتاب زمان زیادی ببرد.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۷۱ ■ یکشنبه ۴ مهر ۱۳۸۹

برعکس ۱۵

◄ «فوتوژورنال» — «فوتوژورنال» ترجمه:سولماز حدادیان

فوتوژورنالیست‌ها تسلیم نشوند

همیشه فکر می‌کردم تا ابد یک عکاس خبری باقی می‌مانم. دورتادور کشورم را یا شاید دنیا را می‌گردم و از لحظات خوب و بد عکاسی می‌کنم و عکس‌هایم را به همه نشان می‌دهم. همه چیز طبق برنامه پیش می‌رفت تا اینکه با بحران تعدیل نیرو در روزنامه‌ای که در آن کار می‌کردم و دیگر روزنامه‌ها مواجه شدیم. از آنجا بود که به تحقق آینده‌ای که همیشه آرزویش را داشتم، شک کردم. اگرچه ساعت کاری طولانی و دستمزدها حتی از حقوق پرداختی معلم‌های مدرسه هم کمتر بود، اما تجربه چنین تغییراتی در روند زندگی به نوعی ارزشمند بود. اما در عین حال با خودم فکر کردم اصلاً نمی‌توانم با این تهدید که هر لحظه ممکن بود اخراج شوم، کنار بیایم. و این فکر که دیگر نمی‌توانم از نردبان موفقیت در این حرفه بالا بروم، آزارم می‌داد. در واقع نسل این حرفه در حال انقراض بود. وقتی در آوریل ۲۰۰۸ ز ۳۱سالگی کارم را رها کردم، یکی از عکاسان ارشد روزنامه‌مان بودم. این جایگاه برای دانشجویهای عکاسی یک رویا به حساب می‌آمد. اما این‌طور که معلوم بود امکان بازنشسته شدنم در حرفه‌ای که عاشقش بودم مثل برنده شدن در لاتاری بود!بنابراین مطبوعات را رها کردم و به عنوان عکاس عروسی برای خودم مشغول به کار شدم و حالا خیلی از دوستان و همکاران سابقم، در این وضع آشفته اقتصادی به امنیت شغلی من غبطه می‌خورند. اما آسان نبود. حالا

دیگر افسوس نمی‌خورم و هنوز هم نسبت به آینده محتاطم.

راهی را پیدا کنید که در شرایط حاضر به دردتان بخورد

هر هفته شاهد اخراج همکارانم در جاهای مختلف هستم. موسسه‌ای که برایش کار می‌کردم، اعلام ورشکستگی کرد. در وبلاگ‌ها و سایت‌های مختلف می‌خوانم که دانشجویها و سال آخری‌های عکاسی از بیکاری شکایت دارند و می‌گویند نمی‌توانند برای حل این معضل راه حلی پیدا کنند. آنها هم رویای همان آینده‌ای را دارند که من داشتم. اما شرایط حاضر آنقدر تغییر کرده که حتی نمی‌توانند وارد دنیای حرفه عکاسی شوند یا شاید هم به خاطر نبودن امنیت شغلی می‌ترسند وارد این عرصه شوند. تنها راه حل پیشنهادی من این است که به دنبال راهی باشید که در شرایط حاضر به دردتان بخورد و یادتان باشد که هیچ چیز تضمین‌شده نیست و هر چیزی ممکن است تغییر کند. با خودتان روراست باشید. هوشیار باشید و پشت‌تان را در این حرفه به هیچ کس گرم نکنید. مردم اغلب درباره انتخابی که کردم می‌پرسند. به آنها می‌گویم انتخاب عکاسی عروسی برای همه عکاس‌هایی که از روزنامه‌ها و مجلات اخراج می‌شوند گزینه مناسبی نیست. البته دستمزد آن از دستمزد همه روزنامه‌ها بیشتر است، اما ساعت کاری طولانی و استرس کاری‌اش از آن برنامه‌های روزانه عکاسی روزنامه هم بیشتر است. آنقدر کارهای جانبی دارد که بیشتر از آنکه پشت دوربین باشی، مجبوری پشت کامپیوتر بنشینی. باید رمز و راز کار را هم بلد باشی. به عبارت دیگر کاسب خوبی باشی. بعضی وقت‌ها هم اوضاع کسب و کار به هم می‌ریزد. عکاسان آزاد هم مثل عکاسان ثابت با معضل کاهش دستمزدها روبه‌رو شده‌اند. بنابراین در شرایط حاضر کار کردن به صورت آزاد هم کمی ریسک دارد. راستش را بخواهید، بهتر است دنبال شغلی کاملاً متفاوت باشید و در کنار آن با عکاسی برای خودتان یا به عنوان عکاس آزاد پاروقت برای یک روزنامه، آرزوهایتان را هم زنده نگه دارید. من عکاسانی را می‌شناسم که دوربین‌هایشان را برای همیشه زمین گذاشته‌اند و وقت‌شان را با خانواده یا سرگرمی‌های دیگری می‌گذرانند.به خاطر اوضاع بد اقتصادی یا تعداد بیش از اندازه فارغ‌التحصیلان عکاسی برای همه کار نیست، چه ثابت چه آزاد. همیشه عکاسی حرفه‌ای بوده که در آن رقابت حرف اول را می‌زند، اما حالا هوش و استعداد در آن جایی ندارد و در استخدام مورد نظر قرار نمی‌گیرد. هر چه تعداد کسانی که برای مطبوعات مجانی یا با قیمت خیلی کم عکس می‌گیرند، اضافه می‌شود نگرانی‌ها برای امنیت شغلی در آینده عکاسی خبری هم بیشتر می‌شود. اگر هنوز در این حرفه کار می‌کنید باید مدت‌زمان طولانی و سختی را در انتظار تغییر پشت سر بگذارید، مگر آنکه یکی دو سال بیشتر به بازنشستگی تان نمانده باشید.

نایمیدی سودی ندارد

با وجود این همه عکاسانی که از شغل ثابت‌شان دست می‌کشند و دنبال عکاسی عروسی یا عکاسی آزاد می‌روند، این عرصه هم به زودی اشباع می‌شود و خیلی زود با همان مشکلات مشابه دست به گریبان خواهند شد. در ای‌پی و اسپورت ایلاستریتد هم اخیراً دستمزدهای عکاسان آزاد کاهش پیدا کرده و آنها هم مثل عکاسان ثابت روزنامه‌ها با مشکل روبه‌رو شده‌اند. این مشکل ناشی از افزایش تعداد عکاسان نیست، بلکه به خاطر وجود افراد نایمیدی است که خیلی زود تسلیم و به دستمزدهای بسیار کم راضی می‌شوند و این به ضرر دیگران است.روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر کم‌کم متوجه شده‌اند که می‌توانند عکاسی را پیدا کنند که با دستمزد زیر ۲۰۰ دلار برایشان یک مجموعه عکس کار کند، بدون پرداخت هزینه‌های رفت و آمد و تسهیلات دیگر. بنابراین عکاسان ثابت را یکی یکی بیرون و با عکاسان آزاد کار می‌کنند تا پول کمتر خرج کنند. به طور معمول کیفیت کار کاهش پیدا می‌کند، چون میزان تجربه کمتر است. با این حال، اغلب مطبوعات به این سیستم نادرست روی آورده‌اند.دلم در این اوضاع بد اقتصادی، دریافت سریع و پشت سر هم پول نقد هر چند کم باشد چقدر می‌تواند آدم را وسوسه کند؟ اما از شما می‌خواهم این راه را برای کار کردن انتخاب نکنید. کار به ضررتان است و همین‌طور به ضرر ما!واقعاً نمی‌دانم چطور می‌توان حرفه عکاسی خبری را نجات داد. ای کاش می‌دانستم. اما فقط می‌توانم بگویم یادتان باشد اگر وارد عرصه عکاسی آزاد شدید خودتان و کارتان را ارزان نفروشید. در آن صورت ارزش همه ما را که در این حرفه زحمت کشیده‌ایم زیر سوال می‌برد.

بدون صرف هزینه روی ماه عکاسی کنید

به تازگی دوربینی روانه بازار شده که قابلیت گریم سوز، ایجاد تصاویر متحرک و انتقال بیسیم تصاویر به رایانه را دارد. کاسیو اعلام کرد این تکنولوژی که به نام داینامیک فتو معروف است به عکاس این امکان را می‌دهد که با گرفتن یک عکس از سوزه و قرار دادن آن در محیط‌های مختلف، تصویری متحرک بسازد. فرض کنید عکسی ساده از سطح کره ماه دارید. به راحتی می‌توانید عکس کودک خود را روی عکس قبلی قرار داده به صورتی که فرزند شما در حال حرکت روی سطح ماه باشد. ضمناً می‌توان با کوچک یا بزرگ کردن افراد، جنبه فکاهی به عکس افزود. همه این ویژگی‌ها فقط و فقط توسط دوربین اجرا شده و بدون نیاز به کامپیوتر در مدت زمان کوتاهی آماده می‌شود. این دوربین که به نام h15 معروف است، از تکنولوژی‌های دیگری هم برخوردار است و می‌تواند چهره را گریم کند و به تصویر بکشد. فقط کافی است عکس بگیرید. دوربین چهره شما را به صورت اتوماتیک شناسایی کرده و تمامی لک و پی‌س‌های صورت را برمی‌دارد بدون آنکه شما هیچ‌گونه تغییر طبیعی و دستکاری شده، جلوه کند. تمامی اینها فقط در طول ثابته انجام می‌پذیرد. همچنین مصرف باتری این دوربین فوق‌العاده پایین است و به ازای هر یک بار شارژ کامل باتری می‌توان هزار نوبت عکس گرفت. دوربین‌های موجود در بازار که تقریباً از لحاظ قیمت با این دوربین برابری می‌کنند، قابلیت گرفتن ۳۰۰ تا ۴۰۰ عکس را با یک بار شارژ کامل باتری بیشتر ندارند. این دوربین که محصول شرکت کاسیو است، از تکنولوژی بیسیم نیز بهره می‌برد. بر اساس این تکنولوژی با نصب یک کارت در این دوربین می‌توان عکس‌های موجود در دوربین را بدون اتصال هیچ سیمی و از طریق شبکه بیسیم به کامپیوتر انتقال داد. همچنین در این دوربین بیش از ۴۰ سوزه مختلف برای عکاسی وجود دارد که می‌توانید با گرفتن عکس از سوزه، آن را در این محیط‌ها انتقال دهید.

گالری

۱۱مهر	۱۰الی ۱۵	مجموعه هنری صبا	نمایشگاه گروهی جشنواره عکس رشد
۷مهر	۱۰الی ۲۰	خانه هنرمندان	مهدی منعم قربانیان جنگ سفیران صلح
۶مهر	۹الی ۱۹	گالری لاله	شیداعسگری‌زاده بدون عنوان
۱مهر	۱۰الی ۲۰	خانه هنرمندان	علیرضاچیتایی سطح شفاف
۳۰مهر	۹الی ۱۹	فرهنگسرای کار و فردوس	محمّد تعاون و تعاونگران وینک‌هدی
۶مهر	۹الی ۱۹	خانه عکاسان	رتوف محسنی گلزار شهدا
۶مهر	۹الی ۱۹	خانه عکاسان	نمایشگاه گروهی راهبان نور

آمنی‌شن

نکاتی در عکاسی برای آماتورها

قبل از اینکه وارد دنیای عکاسی شوید باید بدانید نکاتی آموزنده و مفید در زمینه عکاسی وجود دارد که به خلق یک عکس خوب کمک بسیار می‌کند. بهتر است یک عکاس آماتور این نکات را به عنوان پایه بشناسد و یک عکاس حرفه‌ای آنها را همیشه در ذهن داشته باشد.از زوم کردن و نزدیک شدن نترسید. اشتباهی که بیشتر عکاسان آماتور مرتکب می‌شوند این است که عکس‌های آنها از فاصله خیلی دوری گرفته شده است و در تصویر نسبت محیط به موضوع آنقدر زیاد می‌شود که نمی‌تواند پیام خود را القا کند. سعی کنید عکس را به اندازه کافی از سوزه پر کنید و از پشت‌زمینه شلوغ پرهمیز کنید تا عکس ساده و قابل فهم باشد. موضوعات خود را در مرکز تصویر قرار ندهید. همان‌طور که در مقالات قبلی آموزش عکاسی، بارها ذکر شده است بهتر است از قانون یک‌سوم استفاده کنید. فرض کنید تصویر شما به سه قسمت تقسیم شده است؛ چه از نظر عمودی و چه از نظر افقی، آنگاه موضوع خود را روی یا نزدیک یکی از این خطوط قرار دهید. این قانون

پیشگامان

شهر، مجموعه شربتخانه، حمام افشونه، قلعه‌های ریاط‌سنگ، محراب بسیار زیبای مسجد میر. مهم‌ترین اثر باستانی و مذهبی شهر مسجدجامع و مناره بلند آن است که از نظر عکاسی و بازدید یکی از زیباترین مساجد استان و کشور است. سوغاتی و صنایع دستی معروف نطنز خشکبار، صنایع دستی سفال و سرامیک، قالی و قالیچه است. فاصله این شهرستان از تهران حدود ۲۵۰ کیلومتر است که همه مسیر اتوبان و آسفالت‌ه است. عکاسی از این شهرستان چندین روز زمان می‌برد. خصوصاً برای عکاسانی که به سوزه‌های معماری علاقه دارند. در عکاسی از موضوعات و مکان‌های این شهرستان به انواع لنزهای وایبد و تله احتیاج خواهید داشت چون هم سوزه‌های معماری و هم طبیعت علی‌الخصوص عکاسی از جزئیات مانند سرامیک و کاشیکاری‌ها در معماری‌های بناهای تاریخی این شهرستان مقابل شما خواهد بود که می‌تواند عکس‌های بسیار جالبی را پس از برگشت در آرشیهو شما جای دهد.

نطنز شهری ملو از سوزه‌های عکاسی

شهرستان نطنز از شمال به کاشان و از جنوب به اردستان محدود است.

فاصله این شهرستان تا مرکز استان ۱۳۸کیلومتر است و وسعت آن ۳۳۹۷ کیلومتر مربع است و بلندترین قله کوه معروف کرکس در آن واقع شده است. این شهرستان دارای دو نوع آب و هواس؛ کوهستانی و دارای آب و هوای سردسیری و معتدل، و نواحی شمالی ششزار و دارای آب و هوای گرم است. گلابی نطنز از شهرت خاصی برخوردار است که همان تحفه نطنز است و انار این شهر نیز مشهور است. معروف‌ترین جاذبه‌های تاریخی این شهرستان شامل بیشه:زارهای سرسبز در دامنه کوهپایه‌ای کرکس کوه از جمله طرق، کتسه، طامه، آبشار طامه، هنجن، یاوند، چینه‌رود و به خصوص روستای تاریخی ایبانه است که صرف نظر از طبیعت زیبای آن با قدمتی بیش از ۳۵۰۰ سال یکی از جاذبه‌های برجسته تاریخی و معماری استان و شهرستان نطنز است؛ زیارت‌گاه امامزاده سلطان، کاروانسرای نطنز، گنبدباز، حسینیه مرکزی